

مشروعیت بخشیدن زیبا کلام و سازگارا به سلفی گری تحت لوای دفاع از "کردها و سنی‌ها"

پدیده سلفی گری طی قرون متمادی نیازمند مقاله مفصلی است اما برای شناخت خواننده این سطور همینقدر اشاره کنم که فلسفه وجودی و پیدایش سلفی گری به دو الی سه قرن بعد از پایان دوران ظهور اسلام برمیگردد. با گذشت چند قرن از پایان دوره فجاییعی که اسلام در ۱۴۰۰ سال قبل در عربستان و این

و مطالباتی دارند که نادیده گرفته شده‌اند. این بخشی از نتیجه گیری نوشته مفصل صادق زیبا کلام در ارتباط با واقعه ۱۷ خرداد در مجلس و قبر خمینی است. اخیرا محسن سازگارا نیز در مصاحبه ای با رادیو فردا همین سخنان زیبا کلام را تکرار کرده است. پرداختن به به تاریخ پیدایش

عبدل گلپریان

صادق زیبا کلام میگوید: "صرف گرفتن و زدن و بستن سلفی های تندرو در ایران، دستکم تاکنون نتوانسته این پدیده را تمام کند. واقعیت آنست که کردها، سنی‌ها و سایر اقلیت های ایرانی، سرخوردگی‌ها، توقعات، خواسته‌ها

در مورد سیاست کومه له

محمد آسنگران

جریانات ناسیونال / اسلامی بسیار دیر جنبید و نادقیق حرف زد. اصولا در حاشیه مسئله ماند .

۲. مشکل تنها خبات نبود که او در این مصاحبه مورد نظر شما نسبت به آن موضع درست گرفته است. اتفاقا صلاح چند روز بعد از این مصاحبه متوجه اصل قضیه شد و در مصاحبه دوم در برنامه حزب و فعالین از مسئله خبات فراتر رفت و چهارچوب سیاست

آمریکا، دولتهای منطقه و احزاب ناسیونالیست کرد را در همین اواخر نقد کرد و متاسفانه این مصاحبه مورد بحث شما نیست. چون او در این مصاحبه نقدش فراتر از خبات رفته است. شما به دفاع از چیزی برخواستید که خوشبختانه خود صلاح از آن فراتر رفت

و با منتقدین چپ و کمونیست بیشتر همصدا شد. او در مصاحبه دوم فضای سیاسی منطقه و تمایل و گرایش احزاب ناسیونالیست کرد را بهتر از مصاحبه اولش نقد کرده است .

۳. به هر حال ما به عنوان

انسانهای زنده هم تاثیر گذار و هم تاثیر پذیریم. صلاح هم همین کار را کرده است. مصاحبه دوم او با شمس خرمی بسیار رادیکالتر و قابل دفاعتر از مصاحبه ای است که با رادیو پیام کانادا داشت و شما به دفاع از نکاتی برخواسته اید که خود صلاح از آن فراتر رفته است. این نشان میدهد که شما یا آترا ندیده اید و یا نمیخواهید از آن چهارچوب نقد خبات فراتر بروید. یا شاید متوجه آن نیستید .

صفحه ۲

دوست عزیز بیژن پرهام شما به نمایندگی از تعدادی از دوستان در نقد سیاست حاکم بر کومه له و در دفاع از سیاستی که رفیق صلاح مازوجی در این مورد بیان کرده است مطلبی نوشته اید. دستت درد نکند که نوشته ات را برای منم ارسال کردید. به رسم احترام لازم دانستم که نکاتی را یادآوری کنم.

۱. نقد رفیق صلاح در این مصاحبه که شما به آن رجوع کرده اید خوب بود و ما هم آترا مثبت ارزیابی کردیم. اما بسیار دیر منتشر شد و در واقع اگر نقد ما نبود شاید هیچ وقت منتشر نمیشد. دلیل هم واضح است چون یا ابتدا نقدی به سیاست علیزاده نداشته یا سکوت را ترجیح داده بود. دو مورد او این کار را کرده هر دو مورد هنگامی مباحثش علنی شده است که ما سیاست حاکم بر کومه له را نقد کردیم و او در پاسخ کمی متفاوت از علیزاده حرف زده است .

یکی در مورد شرکت کومه له در تدارک کنگره ملی کرد بود و دیگری نزدیکی به جریانات ناسیونال / اسلامی در این اواخر به بهانه تحریم انتخابات ریاست جمهوری در ایران. اما در مورد کنگره ملی کرد اگر چه موضعش با علیزاده متفاوت بود هنوز نتوانست از چهارچوب آن سیاست فاصله بگیرد. با این حال موضع بهتری از علیزاده گرفت. اما برخلاف نظر شما در هر دو مورد از جمله همین مصاحبه مورد رجوع شما در مورد نزدیکی کومه له و

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری سیاست سرکوب و ارباب حکومت اسلامی را باید به شکست کشاند! سپاه پاسداران شهر سنندج و حومه را میلیتاریزه کرده است

طول دوران حاکمیت سپاه اسلامی تعداد زیادی از اعضا خانواده خود را از دست داده و هم اکنون عزادار کشته شدن صباح حسین پناهی و دستگیری رامین حسین پناهی هستند، اکنون مورد تعرض وحشیانه نیروهای امنیتی قرار گرفته اند. روز شنبه خانواده حسین پناهی با انتشار نامه علنی از همه نهادهای مدافع حقوق انسان و مخالفین حکومت اسلامی خواسته

عزیزان خود را ندارند . دو روز بعد از این واقعه کماکان حمله و دستگیریها بوسیله سپاه پاسداران ادامه دارد. صبح امروز خبر دستگیری تعداد بیشتری منتشر شد. زبیر حسین پناهی ، انور حسین پناهی پسر عموی رامین حسین پناهی دستگیر شدند در حالیکه همان شب درگیری افشین حسین پناهی نیز در منزل خود دستگیر و روانه زندان شده بود . خانواده حسین پناهی که در

روز جمعه دوم تیرماه در شهر سنندج بین يك گروه از سازمان زحمتکشان کردستان و سپاه پاسداران درگیری رخ داد که منجر به کشته شدن سه نفر و به اسارت گرفته شدن رامین حسین پناهی شد. بلافاصله بعد از این واقعه نیروهای سپاه پاسداران به حمله و دستگیری تعداد دیگری دست زده و با خشونت کامل تعدادی از افراد خانواده کشته شدگان را بازداشت کرده و گفته اند اجازه برگزاری مراسم گرامیداشت

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۴

عزیزه لطف الهی

سهم روستاییان از معدن آق دره: بیکاری و آلودگی

صفحه ۴

نگاه هفته:

نسان نودینیان

مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ در مورد سیاست کومه له...



محمد آسنگران

چهره های جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی این چنین با اسم و رسم خود در جلو جامعه قرار بگیرند.

این سنت تازه است سابقه طولانی در چپ ایران ندارد. چپ ایران و کومه له هم نوشته هایشان بدون اسم و امضا منتشر میشدند.

همینکه شما امروز یک امضا زیر نوشته خود گذاشته اید حاصل سالها جدل با این چپ سنتی بوده است که از ادعا کم ندارد. اما هیچ وقت مبتکر سنت تازه و پیشروی نبوده است. بعدا وقتی علنی شدند عکس و چهر فعالین را ضروری دانستیم همین کومه له و حزب کمونیست

ایران سالها در مقابل آن مقاومت کردند اما اکنون یواشکی مثل بقیه احزاب همه آنها اسم و عکسشان را به طور طبیعی منتشر میکنند. آیا برای شما سوال نشد این سنت از کجا به داخل چپ ایران وارد شد؟ همه ما میدانیم که در دوران شاه و

یا در دوران جمهوری اسلامی هم، مقالات تمام نشریات چپ با اسم نویسنده منتشر نمیشدند؟ عکسی از هیچ کدام از آنها منتشر نمیشد. تلویزیون هم نداشتند و رادیوهای کم شنونده هم فقط صدایی از سازمانی پخش میکرد. اسمی از کسی در میان نبود. مسئولیت گفته ها و نوشته ها فردی نبود. چپ بدون چهر و بدون شخصیت حقیقی و حقوقی بود. جریان ما با سالها تلاش و نقد و البته ناسزا شنیدن از چپ سنتی این سنتها را حاشیه ای کرد.

۵. جریان ما سنتهایی دیگری را به جامعه آورد که نه سابقه در ایران داشت و نه قبلا حزب و سازمانی از آن حرف زده بود.

از جمله: دفاع از آزادی بیان بی قید و شرط، اولین بار اتحاد مبارزان کمونیست علیه بستن روزنامه میزان در تهران این بحث و شعار را مطرح کرد و بدون استئنا تمام احزاب چپ از جمله کومه له آن زمان موافق آن نبودیم. چون چپهای آن دوره شعار دیگری داشتند و خواهان آزادی برای خلق و دیکتاتوری برای ضد خلق بودند. میگفتند این سیاست لیبرالی است.

در مورد زندانیان سیاسی هم چپ اکنون بدون نقد سیاست قبلی

خود شعار آزادی همه زندانیان سیاسی را پذیرفته است. اما شعار چپ سنتی و کومه له هم این بود که خواهان "آزادی زندانی سیاسی انقلابی" بودند نه همه زندانیان سیاسی. تازه ما از این هم فراتر رفتیم و هنوز مورد نقد این چپ قرار داریم که تلاش کردیم زندانیان عادی را هم درک کنیم و از حقوق آنها و حق حیات برای همه آنها دفاع کنیم. چهره هایی مانند کبری رحمانپور که خوشبختانه از زندان آزاد شد برای چپ سنتی قاتل محسوب میشد و برای ما یک قربانی سیستم حاکم. سکینه محمدی آشتیانی که به سنگسار محکوم شده بود و بعدا آزاد شد هم یکی دیگر از آنها است و دهها نمونه از این افراد. چپ ایران و حزب کمونیست ایران و کومه له تا امروز هم این مقوله را برسمیت نمیشناسد. به همین دلیل کمپینی و حرکتی در دفاع از این انسانهای قربانی سیستم در سیاست آنها جایگاهی ندارد.

نقد پوپولیسم از جمله نقد پوپولیسم خود کومه له که رهبران کومه له تعدادی اصلا قبول نداشتند و فقط ساکت شدند و تعدادی آنها پذیرفتند و تعدادی هم بعد از جدایی کمونیسم کارگری دوباره به همان سبک سابق خود برگشتند.

مصوبه کنکره دوم کومه له در مورد مسئله ملی و کمرنگ دیدن خود شعار آزادی همه زندانیان

جایگاه آن در کردستان که بعد از انتشار آن از جانب منصور حکمت نقد شد و در کنفرانس ششم کومه له که در اصل به این منظور تشکیل شد و آن مصوبه را اصلاح کردند و دوباره جایگاه پرننگتری برای مبارزه علیه ستم ملی قابل شدند یک نمونه دیگر از این دست است. این نمونه ها مشت نمونه خروار است و درک زمینی و عمیق جریان ما را نشان میدهد. این همان منصور حکمتی است که عزیززاده اسمش را در بررسی تاریخ حزب کمونیست ایران حذف کرده است و انگار اصلا وجود نداشته است.

طرح شعار آزادی برابری حکومت کارگری که به سیاست حزب کمونیست ایران هم تبدیل شد.

سیاست مخالفت با اعدام و لغو مجازات اعدام که کومه له متأسفانه قبلا خودش مواردی آنرا اجرا کرد و خوشبختانه اکنون آنرا پذیرفته است. اکنون نه تنها چپها آنرا پذیرفته اند حتی راستها هم جرات نمیکند از مجازات اعدام حرف بزنند. در حالیکه قبل از حزب کمونیست کارگری هیچ جریان دیگری از لغو این مجازات ضد انسانی در ایران حرف زده بود. ما سالها مورد حمله چپ سنتی بودیم که گویا لیبرال شده ایم و میخواهیم جنایتکاران را از مجازات "خلق" برهانیم.

شکل دادن به جنبش دفاع از

حقوق کودک که نه در ایران و نه در حتی حزب کمونیست ایران سابقه نداشت.

مخالفت با خودمختاری و فدرالیسم که کومه له بعد از مدتی مقاومت بالاخره آنها را بدون نقد و یواشکی کنار گذاشت.

نقد ناسیونالیسم و مذهب به عنوان دو رکن مهم کمونیستی در کنار تلاش برای لغو کار مزدی و... که سنتی در چپ ایران نداشت و کومه له بشدت آغشته به ناسیونالیسم و مفاشات با مذهب بوده و هست.

اینها و دهها نمونه دیگر از این نوآوریها دستاوردهای همان جنبش و کسانی است که احتمالا از نظر شما فقط پشت کامپیوتر نشسته اند و نقشی گویا در جامعه نداشته اند. اما کل چپ و چهارچوب فکری آنرا متحول کرده اند.

دوست عزیز تعمق و یاد گرفتن برای همه ما لازم است. اما اگر با دیدی بدون تعصب روند رشد و ارتقا فکری چپ را ببینیم به حقایق بسیاری خواهیم رسید که امروز بدیهی بنظر میرسند. اما در عالم واقع اینها نه تنها بدیهی نبودند بلکه سالها برای تثبیت آنها جدل و مبارزه سیاسی و نظری و فکری شده است.

۲۶ ژوئن ۲۰۱۷

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها است شمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

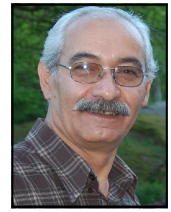
سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

کله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراچیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرنگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

از صفحه ۱ مشروعت بخشیدن زیبا کلام ...



عبدل گلپریان

منطقه بوجود آورد و روند فروکش کردن اسلام در بعد از آن ایام بر زندگی ساکنان آن مناطق سبب شد که افراد و عناصری فیلسان دوباره یاد هندوستان کنند و با داعیه بازگشت به عصر پیدایش اسلام مجدداً ابراز وجود کنند.

سربرآوردن سلفی گری از همینجا شکل میگیرد یعنی رجعت به دوران ظهور اولیه اسلام که در طول تمام قرون گذشته بنحوی از انحا به حیات خود ادامه داده است اما روند تغییر و تحولات عظیم اجتماعی، سیاسی و گسترش بازرگانی در غرب و تاثیرات مستقیم آن بر شبه جزیره عربستان و جنوب شرقی آسیا سبب شد که هر چه بیشتر گرایشات اسلام خواهی و یا گرویدن به باورهای سلفی گری به حاشیه رانده شود. واقعیات عینی روند تکامل تاریخی در زندگی انسان در آن ایام به این سو، اجازه سر برآوردن و به قهقرا بردن جامعه مدنی را از سلفی گری گرفت.

بنابراین سلفی گری دو پایه اصلی دارد. یکم رجعت به اصل اسلام محمدی در ۱۴۰۰ سال قبل و دوم نابودی تمام دستاوردهای تاکنونی زندگی انسان و در راس آنها انسانیت، مدنیت، ترقی خواهی، علم، دانش و تکامل جوامع بشری. این دو رکن سلفی گری بعنوان ایدئولوژی و بنیاد فکری اسلام در قامت داعش را مردم دنیا دیده اند.

با این توضیح کوتاه برمیگردم به سخنان و مواضع زیبا کلام و سازگارا.

این دو نفر که از پایه گذاران رژیم اسلامی در کنار خمینی و دولت موقتش بودند و امروز رسانه های نان به نرخ روزخور آنان را بعنوان "کارشناسان مسایل سیاسی اوضاع ایران" معرفی میکنند، به ارائه گفته ها و تحلیلهایی می پردازند که نه تنها کمترین سنخیتی با اوضاع

سیاسی اجتماعی در ایران ندارد بلکه سعی دارند با این گونه اظهارات کارشناسانه "برای سلفی گری آبرو بخرند. هر چه باشد این طیف رانده شده از حکومت امروز و بدنبال یک جمهوری اسلامی خوشخیم، نیازمند بقای سلفی گری برای تعرض به آرمانهای انسانی در آینده جامعه ایران هستند.

بزعم این دو "کارشناس"، شرکت چند نفر در یک عملیات تروریستی از جنس عملیات داعش در تهران و اینکه این افراد متولد کردستان بوده اند گویا ناشی از "سرخوردگی ها، توقعات، خواسته ها و مطالبانی هستند که نادیده گرفته شده اند." اینان با چنین بیاناتی و از سر به اصطلاح دلسوزی برای مردم کردستان آنان را در دایره سلفی ها جای میدهند.

اینجا دو مسئله را باید در این رابطه و در پاسخ به اظهارات "کارشناسان" فوق اشاره کرد و پاسخ داد.

اول اینکه سلفی ها که فلسفه وجودی آنان عملاً متکی بر همان اعمال دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و بازگشت به ۱۴۰۰ سال قبل است، هیچگاه چنین ادعایی مبنی بر، "سرخوردگی ها، توقعات، خواسته ها و مطالبات" مورد نظر زیبا کلام و سازگارا نداشته اند و به آن معتقد نیستند. لاقلاً در سه سال اخیر با سربرآوردن دولت اسلامی داعش، در هیچ جایی سخنی بر سر اینکه آنان نماینده و سخنگوی آه محرومان و سرخوردگان هستند وجود ندارد. داعش نه تنها به ریش این طیف از کارشناس قدیمی رانده شده از حکومت اسلامی در ایران میخندد بلکه آنان را بعنوان کسانی که اسلام واقعی را نمیفهمند بحساب میاوردند.

دوم اینکه، زبان، محل تولد و ملیتی که هر عنصر تروریست اسلامی و آدمکشی با آن معرفی میشود، توضیح دهنده هیچ موضوع و مسئله ای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نمیتواند باشد. از این رو هر گونه وابستگی زبانی، جغرافیایی و غیره هر جنایتکار و آدمکشی ربطی به مردم ساکن در آن جغرافیا ندارد.

لاقلاً بعد از بقدرت رسیدن

اسلام داعشی حاکم بر ایران بعد از انقلاب ۵۷، سلفی های سر برآورده در کردستان که بوسیله مردم انقلابی سر جای خود نشانده شدند، از نزدیکان و شرکای سیاسی و همقطاران زیبا کلام و سازگارا در دولت موقت خمینی و سپاه پاسداران بودند. اهداف مشترک مزدوران محلی در مقطع انقلاب ۵۷ تا به امروز با افق و اهداف رهبران سازگاراها و زیبا کلام ها در حکومت اسلامی بروشنی نشاندهنده این حقیقت است.

مردم شهرهای کردستان آن دوران بطور یکنست و یکپارچه برای تحقق خواستها و مطالبات انقلاب ۵۷ در مقابل سرکوبگران خمینی و دولت موقتش، در مقابل مزدوران محلی (جاش ها) و در مقابل جریان سلفی که با نام مکتب قرآن شناخته میشد و جوانان انقلابی و کمونیست در کردستان را شناسایی و به دوستان و شرکای زیبا کلام و سازگارا نظیر خلخال معرفی میکردند نه تنها قادر شدند بساط مکتب قرآن را در سنج و مریوان برچینند بلکه توانستند ماهیت ضد انسانی سلفی ها، مزدوران محلی و هم کیشان آنان در دولت موقت را نیز به جامعه ایران و مردم کردستان بشناسانند.

ادعای دلسوزی این طیف افراد رانده شده از حکومت اسلامی تنها برای مخدوش کردن صف مبارزه اجتماعی، سیاسی و طبقاتی مردم علیه حکومت اسلامی و مشروعت بخشیدن به جریان سلفی گری است.

با توجه به آنچه که اشاره شد، بر خلاف اظهارات این دو "کارشناس"، سلفی گری عصر حاضر ربطی به مردم کردستان و فقر و سرخوردگی مردم در هیچ جای این کره خاکی ندارد. تاریخ مبارزات مردم کردستان بعد از سربرآوردن جریان خمینی علیه سلفی گری، پیشینه ای درخشان دارد. زیبا کلام و سازگارا لازم است این را بفهمند که از سر "دلسوزی" برای مردم کردستان و با مخدوش کردن صف مبارزه اجتماعی، سیاسی و طبقاتی در جامعه، قادر نخواهند بود به بقای این پدیده ضد بشری کمک کنند.

۶ تیر ۹۶

۲۷ ژوئن ۲۰۱۷

سیاست سرکوب و ارعاب حکومت ...

از صفحه ۱

اند که به این رفتار وحشیانه و سرکوبگرانه اعتراض کنند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن تسلیت به خانواده قربانیان اخیر اعلام میکند باید در مقابل این رفتار وحشیانه و سرکوبگرانه حکومت اسلامی با تمام قوا ایستاد. حمله به خانواده کشته شدگان و ایجاد فضای رعب و وحشت و دستگیری و شکنجه و آزار خانواده ها سیاست همیشگی حکومت اسلامی بوده که با اعتراض و مبارزات گسترده مردم در کردستان، حکومت مجبور به عقب نشینی شده بود. اکنون جمهوری اسلامی ایران یکبار دیگر با شدت و حدت به این سیاست سرکوبگرانه روی آورده است.

ما از همه سازمانهای مخالف حکومت اسلامی و از فعالین مدافع حقوق انسان مستقل از اینکه چه نقد و چه بررسی از این نوع عملیات نظامی و یا سیاست سازمان زحمتکشان دارند، دعوت میکنیم به این رفتار وحشیانه حکومت اسلامی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۲۵ ژوئن ۲۰۱۷



دیگر پس است! ما بیش از این تحمل نخواهیم کرد.



اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی

بعد از ۸ سال پدري سكوتش را درباره مرگ دخترش می شنکند

مریم سودبر ۲۱ ساله دانشجوی دانشگاه تهران بود. در تظاهرات بانوم به سرش زدند و در خانه جان سپرد. با تهدید وزارت اطلاعات خانواده سکوت کردند. اصغر سودبر پدر مریم سودبر بعد از ۸ سال در خصوص قتل فرزندش چنین گفت: "ما بعد از رفتن مریم به خاطر بچه های دیگرمان نگران شدیم و آن روزهای اول سکوت کردیم اما آنقدر از حق خودمان و حق بچه هایمان و زندگی مان گذشتیم و حرف نزدیم که الان مایلیم حداقل بعد از این همه مدت درد دل هایم را به جامعه و هم سن و سالهای مریم بگویم. دخترم روز ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ سلامت به دانشگاه رفت اما ضربه بانوم به سرش خورد و شب وقتی برگشت خانه، توی اتاق خودش تمام کرد."

قانون جدید دوچرخه سواری

علاوه بر عکس و کارت ملی و ... اجازه نامه ولی یا همسر و خلاصه یک قیم هم نیاز است!

مردی در شیراز دخترش را جلوی چشم مردم خفه کرد

دخترم با رفتارهایش باعث شده بود که آبروی ما جلوی بستگان برود. روز حادثه او را سوار خودرو کرده و از خانه بیرون رفتم. در میان راه باهم درگیر شده گوشه ای توقف کرده و می خواستم با او صحبت کنم اما بی فایده بود. از این رو با شال او را خفه کرده و پس از اطمینان از مرگش به سمت کلانتری رفته و خودم را معرفی کرده و جسد را تحویل دادم

ورزشی در کنار اعمال محدودیت و محرومیت برای برخی والیبالیست زنان نمونه های برجسته آن بودند. در مورد خشونت های جنسی و جسمی موردی از ۲ بار تجاوز در یک شب به یک زن بسیار خیر ساز شد و همچنین یک مورد قتل ناموسی در شیراز را شاهد بودیم.

خشونت نظامی و قضایی علیه شهروندان

در ماهی که گذشت ۳ متهم به قطع دست یا انگشتان دست محکوم شدند، انفجار ۵ فقره مین به کشته و زخمی شدن شهروندان منتهی شد، گزارشاتی از ۳ مورد اسید پاشی منتشر شد که علاوه بر ۸ نفر زخمی در یک پرونده خاص در تهران ۱۴ زن و کودک را دچار آسیب کرد، ۲ شهروند به تحمل شلاق محکوم شدند و ۲۰ شهروند قزوینی به اتهام روزه خواری در ملاعام شلاق خوردند.

عسل اسماعیل زاده بازداشت شد

عسل اسماعیل زاده فعال رسانهای و عکاس خبری روز ۲۹ خرداد ۹۶ در دادسرای تهران بازداشت شد.

اسماعیل زاده، همسر سعید سیف، خبرنگار و فعال رسانهای و مدیر مسئول سایت دیده بان ایران است که چندسال گذشته چندان فعالیت رسانهای نداشته است. سعید سیف گفت "با وجود آنکه متهم پرونده خودم بودم، اما هنگامی که به همراه همسرم به دادسرا مراجعه کردیم، قاضی پرونده دستور بازداشت همسرم، عسل اسماعیل زاده را صادر کرد" او گفت هنوز از علت بازداشت همسرم اطلاعی ندارم.

سهم روستاییان از معدن آق دره: بیکاری و آلودگی

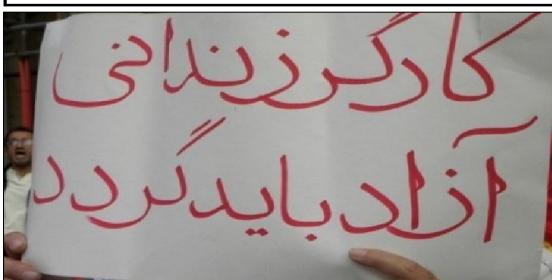
وسط» که در محل معدن با خانواده خود تحصن کرده بودند، باعث شد معدن تعطیل شود تا اهالی روستا و صاحبان معدن شاید بتوانند به توافق برسند.

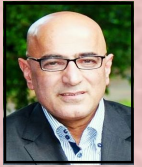
مردم منطقه خواستار بکارگیری افراد بومی در معدن طلای آق دره اند، ولی بیشتر کارگران معدن روزانه از شهرستان تکاب به آنجا آورده می شوند. اهالی روستای آق دره مدعی اند که استخراج معدن طلا نفع آنها را بیکار کرده، بلکه آب و هوا را هم آلوده کرده است.

عباس دن، نماینده کارگران معدن طلای آق دره در توضیح حادثه این معدن می گوید: سال هاست مردم روستاهای اطراف معدن به ویژه روستای آق دره وسط خواستار کار افراد بیکار روستاهای بومی در معدن هستند و قرار بود مسئولان بعد از انتخابات به اعتراضات مردم روستای آق دره رسیدگی کنند، ولی چون اقدامی صورت نگرفت مردم این روستا هفتم خرداد با پریایی چادری در ابتدای معدن، جلوی کار در معدن را گرفتند. بعد از تعطیلی چند روزه معدن و اصرار کارگران برای شروع کار، مسئولان جلساتی تشکیل دادند و قرار شد مسالمت آمیز مشکل را حل کنند.

از سایت

اتحادیه آزاد کارگران ایران





نسان نودینیان

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات
هفته از شهرهای کردستانرویدادهای سیاسی
در ایران و کردستان
شتاب بیشتری گرفته است

در شهرها تحرك امنیتی و پلیسی جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوب بیشتر شده. جاسوس و مزدور محلی فعال شده اند و با بکارگیری گشت های نظامی و دستگیریهای حکومت اسلامی میخواهد فضای شهرها را امنیتی کند.

جواب مردم برای مقابله با تحرك و فضای امنیتی حکومت اسلامی روشن است.

در ارتباط با امنیتی کردن شهرها کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران اطلاعیه ای را تحت عنوان «سیاست سرکوب و ازعاب حکومت اسلامی را باید به شکست کشاند! سپاه پاسداران شهر سنج و حومه را میلیتاریزه کرده است» منتشر کرده است. که در این شماره ایسکرا در دسترس خوانندگان قرار گرفته است.

در همین رابطه؛

از فیس بوک یدی محمودی

روز ۲۳ جون باز هم يك تیم دیگر از نیروهای سازمان انقلابی زحمتکشان به رهبری عبدالله مهتدی در شهر سنندج به کمین سرکوبگران رژیم اسلامی می افتند، سه نفرشان به اسامی صباح حسین پناهی، حامد سیف پناهی و بهزاد نوری کشته می شوند و نفر چهارم که از ناحیه پا و کمر زخمی بوده دستگیر می شود.

قطعا باید در قدم اول رژیم جنایت پیشه اسلامی را که حق هیچ گونه آزادی فعالیت سیاسی را به مخالفین خود نمی دهد به شدت محکوم کرد و کشتن این جوانان را هم به لیست جنایتهای آنها اضافه کرد. همچنین باید با خانواده این عزیزان عمیقن اظهار همدردی کرد و خود را شریک غم و اندوه آنها دانست. اما چرا این چنین ماجراجویها، بی مسولیتی ها و بازی با جان جوانانی که با شور و شوق به خیال خود به مبارزه برای رهای پیوسته اند را باید تمام به عهده مسولین سازمان زحمتکشان گذاشت. سازمان زحمتکشان و همه احزاب ناسیونالیست در کردستان مبارزه مسلحانه را نه برای سرنگونی انقلابی رژیم منحوس اسلامی که برای ساط و سودا و ساخت و پاخت با این یا آن جناح رژیم و امروز برای نشان دادن توان نوکری و جیره خواری خود به انتتلاف کشیف ترامپ، سعودی، بارزانی و شرکاست. احزاب اپوزیسیون مسلح رژیم اسلامی مستقر در اقلیم کردستان این اولین

باری نیست که با دست زدن به چنین ماجراجویی های مفتضحانه ای جان جوانان انقلابی را می گیرند، اینها از طرفی به احزاب حاکم بر اقلیم تعهد داده اند که دست به اقدام مسلحانه علیه رژیم اسلامی نخواهند زد و از طرفی هم می خواهند به شیوه شتر سواری دولا "تنور مبارزه مسلحانه اشان" را برای نشان دادن ظرفیت مخرب خود به بخشی از ارتجاع منطقه نشان دهند. قطعا مبارزه مسلحانه علیه رژیم اسلامی يك گزینه معتبر، انقلابی و مشروع است، اما آیا شرایط امروز ایران و کردستان چنین گزینه ای را می طلبد؟ آیا شیوه مبارزه مسلحانه دو دهه گذشته این احزاب چیزی در این راستا است؟ آیا این کمکی به امر مبارزه هر روزه اکثریت مردم کارکن جامعه ایران علیه رژیم سراپا وحشی و جنایت پیشه اسلامی است و جواب من به همه این سوالات منفی است و به همین خاطر باید این نوع نگرش، سازمانها و احزابی که برای مقبول واقع شدن حاضرند جامعه را به طرف هر سناریوی سیاهی بکشاند را محکوم و افشا کرد.

یدی محمودی
و در همین رابطه

اطلاعیه فوری خانواده حسین
پناهی: از سلامتی فرزندان
رامین مطمئن نیستیم

نهادهای حقوق بشر، مجامع جهانی، نیروهای مترقی و آزادیخواه، مردم شریف، مبارز و دموکراسی طلب ایران و خلق کرد. همان طور که در خبرها آمده است، روز جمعه دوم تیرماه دو تن از اعضای خانواده ما بنام های «رامین و صباح حسین پناهی» به همراه «حامد سیف پناهی و بهزاد نوری» در شهر سنندج توسط نیروهای سپاه پاسداران هدف تیراندازی قرار گرفتند که متاسفانه سه نفر از آنها جان خود را از دست داده و «رامین حسین پناهی» هم در حالی که مورد اصابت دو گلوله قرار گرفته بود به بیمارستانی در سنندج منتقل و بعد از نیم ساعت نیروهای سپاه پاسداران وی را به جای نامعلومی منتقل کرده اند.

از طرفی دیگر شب گذشته نیروهای اطلاعات سپاه به خانه ما یورش برده و در حالی که «پروانه حسین پناهی» خواهر بزرگ و پدر

سالخورده ما را مورد ضرب و شتم قرار داده اند، «افشین حسین پناهی» برادر کوچکترمان را نیز بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کرده اند. علیرغم پی گیری های مستمر ما در طول این مدت با نهادهای امنیتی و قضایی، از سرنوشت «افشین» خبری بدست نیامده است. اما از طرفی دیگر اخباری را دریافت کرده ایم که گویا «رامین حسین پناهی» در حالی که شدت زخمی بوده و میبایست تحت نظر دکتر و عمل جراحی قرار بگیرد، به یکی از بازداشتگاههای سپاه منتقل شده و هم اکنون زیر شکنجه های فیزیکی قرار دارد. این احتمال نیز وجود دارد که در زیر همین شکنجه ها و در عدم رسیدگی پزشکی جان خود را از دست بدهد.

دوستان و هموطنان، مدت ده سال است که وضعیت ناهنجار دستگیری، کشتن و تبعید و انواع فشارهای جسمی و روحی برای خانواده ما بطور سیستماتیک فراهم شده و خانواده ما در طول این ده سال تحت فشار شدید وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران ایران بوده که در این بین دچار سختی و مشقت های فراوان شده ایم، تجربه تلخ از دست دادن مکرر و متعدد اعضای خانواده «آشرف و صباح و مسعود حسین پناهی و ...» و صدمات جسمی و روحی «انور حسین پناهی» در دوران هفت سال بازداشت در شکنجه گاهای اطلاعات و زندان برای ما فراموش ناشدنی است.

از همین رو بیم آن می رود که جان رامین با توجه به شدت جراحاتی که دارد و سابقه خشونت باری که از دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی حکومت جمهوری اسلامی سراغ داریم، بطور حتمی در خطر جدی باشد.

لذا ما به عنوان خانواده حسین پناهی از کلیه نهادها و مجامع بین المللی خواهیم که با مداخله جدی و موثر از وقوع يك فاجعه دیگر برای خانواده ما جلوگیری کنند.

خانواده حسین پناهی
شنبه، ۳ تیر ماه ۱۳۹۶

در این هفته یکی از فعالین سیاسی و با سابقه جنبش کمونیستی در ایران رفیق امیر حسن پور جان باخت. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به

شهرزاد مجاب و صلاح حسن پور صمیمانه تسلیت میگویند. در این نگاه هفته به همین مناسبت و در گرامیداشت رفیق جانباخته امیر حسن پور نوشته ای از رفیق توفیق پیرخزری را منعکس میکند.

یادی چند لحظه ای از
شخصیت بسار درخشان
رفیق امیر حسن پور

(در آن چند لحظه کوتاه رفیق امیر حسن پور از من لیوانی آب درخواست کردند امروز با شنیدن خبر مرگش آن لحظات برایم زنده شد. سیمایی بی الایش و جذاب و دوست داشتنی اش ۳۷ سال پیش بود دیگر ندیمش یادش گرامی باد) همچنین شخصیت های نه تنها ز مرگ هراسی ندارند بلکه می دانند هم زندگی و هم مرگشان دنیایی تاثیرات مثبت در جوامع ببار آورده و بجا می گذارند. من همان يك مورد بود ایشان را ملاقات کردم اما از او خیلی شنیدم و خواندم.

در رابطه با جلسات جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب در لابلای یادها که گاه گذاری دوست دارم بنویسم و با آن یادها شاد، غمگین و گاه گاهی گریان اما جزو افتخارات زندگی ما کمونیستها است. سالهای ۱۳۵۷ به بعد دوران طلایی علنی کاری جنبش چپ جامعه کردستان بود دوران تاریخی است که هیچوقت تکرار نخواهد شد. تاثیرات مثبت آندوران در جامعه کردستان بویژه در شهر و روستاهایی که کمونیستها دست بالا را داشتند. سنندج، مریوان، کامیاران. دیواندره، و بخشا سقز، و بوکان بشیوه ای جا افتاده است که نسل اندر نسل ادامه دار است.

اما (مناطقی که حزب دموکرات دست بالا را داشت مهاباد. سردشت، بانه. ارومیه اشنویه متاسفانه فعالیت احزاب محدود بود و آزادی معنایی نداشت. آن شور و شوق انقلابی و سکولار غیر دینی و حتی غیر ناسیونالیستی علاقه به کتاب و کتاب خوانی در کتاب خانه های که از طرف جمعیت در محلات مختلف شهر سنندج دایر شد در آنجا ها کمتر بود. در شهر های سنندج. مریوان، کامیاران. بوکان، سقز. دیواندره خیلی برنامه ها شکل گرفته بود از جمله جمعیت زنان. جمعیت

از صفحه ۵ نگاه هفته ...

حمایت و یاری برای ترک اشخاص معتاد وجود داشت در شهر های مهاباد و نقده، پیرانشهر، سردشت و بانه این چنین خبراتی نبود. جامعه کردستان مانند دیگر جوامع خاور میانه ای بوده و هست اما جامعه کردستان بسیار متفاوت با دیگر جوامع خاور میانه می باشد. در جامعه کردستان در آن دوران مدنیت و آزادی به معنای واقعی عمل می کرد. آزادی بیان و نشریات. آزادی احزاب و گروهها و فعالیتهای سیاسی. پائین آمدن سطح خشونت های اجتماعی چه در خانواده و چه در مراکز عمومی. همه و همه و دهها نمونه مثبت جامعه ای متمدن نتیجه فعالیت وتلاشهای شبانه روزی کمونیستهای کردستان و تعدادی از کمونیستهای دیگر شهر های ایران بود.

حجت و دهها شخصیت دیگر که در بیرون مقرر و داخل حیات و اتاقهای جمعیت در خیابان ششم بهمن درآمد و شد و مشغول فعالیت بودند. انسانی با اراده و آگاه و متمدنی بودند که در مهربانی با مردم و قاطعیت و در مقابل مرتجعین کم نظر بودند. یکی از آن روزها را بخاطر دارم چون روز تصمیم گیری بود. در یک لحظه که نامه از طرف سازمان چریکهای فدایی برای رفیق جانباخته ایوب نبوی می بردم توصیه یکی از آن رفقا را بخاطر دارم که رفیق علا مفاخری را (معروف به ماموسا علا) اعلام کردند که همراه با مسئول واحدی باشد که در مسیر راهپیمایی در ارتباط با مردم روستاهای اطراف جاده سنندج میروان باشند. در آن چند لحظه کوتاه رفیق امیر حسن پور در جمع آنان نشسته بود و سیمایش برای من تازگی داشت نگاهش کردم ایشان هم متوجه شد من نگاهش می کنم از من لیوانی آب درخواست کردند لیوان آب را نزدیک دفتری که در روی میز بود قرار دادم سرش را برگرداند و کلمه بسیار شیرینی را که از وی یاد گرفتم (ته شه کورته که م) بیاد دارم. امروز با شنیدن خبر مرگش آن لحظات برایم زنده شد سیمایی بی الایش و جذاب و دوست داشتنی اش ۳۷ سال پیش بود و هیچوقت ندیمش یادش گرامی باد. توفیق پیرخضری ۲۶ ماه ژوئن ۲۰۱۷ ستکلم.

شلیک مستقیم نظامیان حکومت اسلامی و زخمی شدن زورار کارگر کولبر

گروهی از کولبران در سردشت مورد تیراندازی نیروهای نظامی حکومت اسلامی قرار گرفتند. در

نتیجه تیراندازی نظامیان حکومتی "زورار" به شدت زخمی شده است. این حادثه در منطقه "کانی زرد" سردشت روی داده است.

قربانیان بمباران های شیمیایی سردست در حلقه حمایت های انسانی جوانان کردستان روز دوشنبه ۵ مرداد، تعدادی از دوچرخه سواران شهرهای مریوان و بوکان مسیر ۲۰۹ کیلومتری مابین مریوان-سردشت را با دوچرخه طی نمودند.

همچنین شماری دیگر از دوچرخه سواران شهر بوکان به همان شیوه مسیر ۱۹۵ کیلومتری شهر بوکان تا سردشت را به نشانه پشتیبانی از قربانیان شیمیایی سردشت این مسیر را رکاب زدند. مردم در شهرهای کردستان تجارب قابل اتکایی برای جلب حمایت و اتحاد سراسری را دارند.

کوچ تاریخی مردم شهر مریوان در ۳۰ تیر ماه سال ۱۳۵۸، راه پیمایی جوانان و مردم سنندج در ۵ مرداد ۱۳۵۸ از شهر سنندج بطرف مریوان، ۸ مرداد راه پیمایی مردم شهرهای سقز و بانه بطرف مریوان نمونه های برجسته از ابتکارات توده ای و موثر مردم در شهرها است. آنچه ما میگویم اتکا بشهرها و بدست گرفتن تجارب موثر مبارزات شهری این قبیل اقدامات اعتراضی و توده است که در ۴ دهه گذشته بشیوه های مختلف توسط مردم و جوانان بدست گرفته شده است.

حمایت تعدادی از جوانان دوچرخه سوار از شهرهای مریوان و بوکان از قربانیان بمباران شیمیایی جنگ ارتجاعی ایران و عراق نمونه ای از این تجارب هستند.

۶ تیر ۱۳۹۶
۲۷ ژوئن ۲۰۱۷

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:
Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۵۷۵۰۲
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
4900 Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVTVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:
Bank of America
277 G street Blaine, Wa 98230
phone# 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 41581083
checking (99)
wire: ABA routing #026009593
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 ۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید می توانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:
سیامک بهاری: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر
Tel: 00358 405758250
E- mail: abdolgolparian1@gmail.com



سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!